

علمی - پژوهشی

مبانی معامله خون در اندیشه‌ی فقهای امامیه^۱

احمدرضا خزائی *

چکیده

خون یکی از نجاسات یازده‌گانه است که در شرع مقدس اسلام به آن اذعان شده و استفاده از آن نیز حرمت دارد. ضمن اینکه در گذشته برای خون نه تنها هیچ گونه فایده‌ای متصور نمی‌شدند، بلکه موجب تنفر نیز بود؛ بیشتر فقهای صدر اول که متعرض این بحث شده‌اند، فتوا به حرمت داد و ستد خون داده‌اند. اقوال فقها در این مسئله عبارت است از: حرمت مطلق، تفصیل میان خون نجس و پاک، حرمت مستقل و جواز همراه با اشیاء دیگر، جواز داد و ستد در موارد منافع حلال. ادله قائلان به حرمت نیز عبارت است از: اجماع، عدم مالیت خون، نجاست خون، اصالة الفساد در عقود، اعانت بر اثم، آیات، روایات. اما امروزه با پیشرفت دانش پزشکی و استفاده گوناگون از خون به ویژه خون انسان و فرآورده‌های آن جایگاه ویژه حیاتی یافته است. موضوع زمان و مکان و مقتضیات آن در حوزه فقه، امری است که از دوره پیش از انقلاب اسلامی در فقه امام خمینی نمودی آشکار یافته، و ارتباطی مستقیم با خصلت واقع‌گرایی در فقه ایشان داشته است. یکی از مصادیق این اجتهاد پویا نظرات ایشان درباره‌ی معامله خون می‌باشد. این مقاله می‌کوشد با توجه به نظرات فقهای امامیه به بررسی معامله خون بپردازد.

کلید واژه‌ها:

خرید و فروش، خون، مقتضیات زمان، منفعت عقلایی

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

* دانشیار، گروه فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

Dr.khazaei46@yahoo.com

(۱) مقدمه

فقهای اسلام، خرید و فروش خون و نیز هرگونه استفاده و کسب با آن را حرام و از مصادیق اکل مال به باطل می‌دانند و نوعاً بر حرمت مطلق خون تأکید کرده‌اند و فرقی بین خوردن و سایر منافعی که خون دارد، توجه نداشته‌اند. این نظریه از آن‌جا ناشی شده که در گذشته هیچ‌گونه استفاده‌ای از خون، به جز آشامیدن، رایج نبوده است. بنابراین، نیازی ندیده‌اند که بر دامنه بحث، بیفزایند و به کندوکاو بپردازند درباره خون انسان، نه از حلیت سخنی دارند و نه از حرمت، زیرا، فایده و منفعت عقلایی و مفید و کارساز، برای خون انسان متصور نبوده است. از آن‌جا که امروز، منافع کثیری برای خون، بویژه خون انسان کشف شده، این بحث مطرح می‌شود که مفاد ادله حرمت استفاده چیست؟ آیا مطلق بهره‌برداری و داد و ستد حرام است، یا فقط آشامیدن آن و خرید و فروش در راستای منافع حرام؟ از سوی دیگر، این مسئله از مصادیق آشکار فرمایش حضرت امام خمینی مبنی بر «تأثیر دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد» است. این نوشتار می‌کوشد با توجه به اصول و مبانی فقهی به بررسی موضوع "معامله خون" با تکیه بر اندیشه امام خمینی (ره) بپردازد.

(۲) مفاهیم**۱-۲ معامله**

معامله در لغت به معنای داد و ستد کردن با یکدیگر (معین، ۱۳۸۶، ۲۷۳) می‌باشد و به معنی اعم عبارت است از هر عملی که محتاج به قصد قربت نباشد، بنابراین عقد صدقه، معامله نیست ولی غصب و عمل موجب ضمانات قهری و جرائم کیبره و صغیره، جزء معامله به معنی اعم است. معامله با این معنی در فقه بسیار نزدیک به اصطلاح "معاملات مدنی" در حقوق خارجی است (لنگرودی، ۱۳۹۴، ۶۶۴).

۲-۲ بیع

مصدر متعددی و به معنای فروختن، خریدن است (معین، ۱۳۸۶، ۲۷۳) و در اصطلاح معامله‌ای است به مال دیگر که در فارسی آن را "خرید و فروش" یا "داد و ستد" گویند (فیض، ۱۳۹۱، ۲۹۸). شهید اول می‌گوید: بیع، ایجاب و قبولیت که دلالت بر نقل ملک در برابر عوض معلوم. اینکه در این تعاریف ذکری از فروشنده و خریدار نشده است از جهت اشعار به این نکته است که گوهر و ماهیت بیع، مبادله‌ی بین دو مال است و لازمه آن مبادله دو مالک (همان).

۱-۲-۲) ارکان بیع

در فقه عقد بیع بر ۴ رکن استوار است که نبود هر یک سبب می‌شود که عقد بیع برقرار نگردد: ۱- ایجاب و قبول: ایجاب که انشای مقصد اصلی عقد است، توسط فروشنده و قبول که انشای رضایت به ایجاب است به وسیله خریدار.

۲- متبایعین: فروشنده و خریدار نیز از ارکان بیع هستند و باید هر دو عاقل، بالغ و رشید باشند. با جمع شدن این شرایط سه‌گانه در شخص، وی در اصطلاح فقهی موصوف به صفت کمال و از نظر حقوقی دارای اهلیت است و بدین سبب معامله مجنون، صغیر و سفیه محکوم به بطلان است. برخوردار بودن خریدار و فروشنده از قصد معامله هم از شرایط درستی بیع است. معامله مست، بیهوش، غافل و انسان خواب‌آلوده و یا به شوخی به جهت فقدان قصد و اراده باطل است.

۳- مبیع: چون در بیع، مبادله مال در برابر مال صورت می‌پذیرد، لازم است مبیع خود از شرایطی برخوردار باشد. باید مالیت داشته باشد و از نظر کالا بودن نزد شارع به رسمیت شناخته شود. مبیع باید قابل خرید و فروش باشد و بنابراین مثلاً مال وقفی را نمی‌توان فروخت (ان یکون طلقاً) و نیز مبیع باید قابلیت تسلیم داشته باشد و فروشنده بتواند آن را به خریدار تسلیم و یا خریدار خود تصاحب نماید (ان یکون مقدر علی تسلیمه) و از طرفی باید معلوم باشد و جهل خریدار نسبت به کیفیات آن موجب بطلان معامله است.

۴- ثمن: چنانچه ثمن معامله پول باشد باید از حیث مقدار و دیگر شرایط در هنگام عقد معلوم باشد و هرگاه ثمن معامله کالا باشد، همه شرایطی که برای مبیع برشمرده شده بر ثمن نیز حاکم است (علم الثمن قدرا و جنسا و و صفا).

۳-۲) مکاسب

گروهی از فقها مکاسب را به ۳ دسته تقسیم کرده‌اند: حرام، مکروه، مباح. اما به عقیده شیخ انصاری؛ مکاسب به پنج قسم بوده و علاوه بر سه قسم فوق، مستحب و واجب نیز هست.

موضوع تجارت (کسب) دو حالت دارد: ۱- از کاسبی کردن با آن شیء نهی نشده است لذا به آن "مباح" می‌گویند.

۲- از کاسبی کردن با آن نهی شده است؛ الف: نهی باید رعایت شود؛ در نتیجه "حرام" گویند.

ب: لزومی به رعایت نهی نیست لذا "مکروه" می‌نامند.

کسب با نجس العین و متنجس مانند خون، ادرار، منی و... جزء مکاسب حرام تلقی می‌گردد.

منظور از حرام بودن یک کسب: حرام بودن یک معامله به معنای حرمت تکلیفی است نه حرمت وضعی و بطلان معامله، یعنی اگر کسی معامله حرام را انجام دهد روز قیامت عقاب خواهد شد

۲-۴ خون

خون مایعی سرخرنگ که در همه رگ‌های بدن جانوران جریان دارد (معین، ۱۳۸۶، ۶۳۵). خون از لحاظ فقهی نجس شمرده می‌شود.

فرآورده‌های خونی: به هرگونه عنصر خونی گفته می‌شود که در انتقال خون توسط افراد اهداء می‌گردد

۱-۲-۴ خون در فقه

صاحب عروه الوثقی می‌نویسد خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است و فرق نمی‌کند که این خون جهنده صغیره یا کبیره باشد، کم باشد یا زیاد این خون از اعیان نجسه است و هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست و از مسلمات و ضروریات دین است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ۷۶).

امام خمینی می‌فرماید: «خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند، نجس است. پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد، پاک است» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۱۶). و نیز «اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می‌کند به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می‌گردد، ... پس خونی که زالو از انسان می‌مکد، چون خون زالو به آن گفته نمی‌شود و می‌گویند خون انسان نجس می‌باشد» (همان، ۳۱).

۳ معامله خون

فقه‌های اسلام خرید و فروش خون و هرگونه بهره‌برداری از آن را حرام و از مصادیق «اکل مال به باطل» می‌دانند و نوعاً بر حرمت مطلق خون تأکید کرده‌اند. این نظریه از آنجا ناشی شده که در گذشته دور به ویژه در میان اعراب هیچ‌گونه استفاده‌ای از خون به جز آشامیدن رایج نبوده است. از این رو نیازی ندیده‌اند که بر دامنه بحث بیفزایند و به جستجو پردازند و به همین قدر که خون را در ردیف محرّمات و نجاسات آورده‌اند، اکتفا کرده‌اند. درباره خون انسان نه از حلیت سخنی دارند و نه از حرمت؛ زیرا فایده و منفعت عقلایی و مفید و کارساز برای خون انسان متصور نبوده است که فقها آن را به بحث بگذارند که آیا چنان

استفاده‌ای از خون رواست یا ناروا. از آنجا که امروز منافع کثیری برای خون به ویژه خون انسان کشف شده، این بحث مطرح می‌شود که: مفاد ادله حرمت استفاده چیست؟ آیا مطلق بهره‌برداری و داد و ستد حرام است یا فقط آشامیدن آن و خرید و فروش در راستای منافع حرام؟ آیا ادله‌ای که فقها بر حرمت خون، اقامه کرده‌اند، خون انسان را که امروزه، در پزشکی و معالجه بیماران از آن بهره می‌برند، در بر می‌گیرد یا خیر؟ به هر حال ما در این بحث، فرض را بر آن می‌گذاریم که فتوای فقها در حرمت خرید و فروش و هر نوع بهره‌برداری از خون، طبق معیاری که آنان بر آن تکیه کرده‌اند، خون انسان را نیز در بر می‌گیرد.

آنان برای اثبات نظر خویش، به دلایلی تمسک نموده‌اند: بیشتر فقهای صدر اول فتوا به حرمت داد و ستد خون داده‌اند.

ابن بابویه می‌نویسد: کل امر یکون فیه الفساد... فما قد نهی عنه مثل المیتة؛ هر چیزی که در آن فساد هست، از مواردی است که از آن نهی (منع) شده است؛ مانند مردار (رحمانی، ۱۳۸۲، ۳۷) و بیع المیتة و الدم... حرام و اکل ثمنه حرام (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۵۸۹). همچنین شیخ طوسی می‌گوید: و بیع المیتة و الدم... التکسب به حرام داد و ستد مردار و خون و کاسبی با آن حرام است (شیخ طوسی، ۱۳۶۰، ۳۶۴). در این باره ابن براج می‌نویسد: مکاسب علی ثلاثة احزاب... فاما المحذور علی کل حال فهو کل محرم فی المآکل و المشارب؛ کاسبی بر سه گونه است... اما کاسبی‌ای که همیشه حرام است، عبارت است از داد و ستد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام (مانند خون) و نیز ابن ادریس معتقد است: ... و اما نجس العین فلا يجوز بیعه کجلود المیتة... والدم؛ اما اشیاء نجس العین، خرید و فروش آنها صحیح نیست؛ مانند پوست مردار... و خون (ابن ادریس، ۱۴۱۱، ۲۲۱).

محقق حلی بیان می‌دارد: الاول فیما یکتسب به و هو ینقسم الی محرم و مکروه و مباح فالمحرم منه انواع الاول الاعیان النجسة کالخمیر... و الدم؛ فصل اول کتاب تجارت در چیزهایی است که کاسبی با آنها انجام می‌گیرد و آنها به حرام و مکروه و مباح تقسیم می‌گردند. اما کسب‌های حرام انواعی است؛ از جمله کسب با چیزهایی که نجس العین هستند؛ مانند شراب... و خون (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۹). علامه حلی نیز می‌نویسد:

الاول كل نجس لا يقبل التطهير سواء كانت نجاسته ذاتية كالخمر... و الدم اولی از داد و سندهای حرام عبارت است از هر نجسی که قابلیت طهارت نداشته باشد؛ فرقی نمی‌کند که نجاست آن ذاتی باشد، مانند شراب و... خون (علامه حلی، ۱۳۹۷، ۱۲۰).

ادله قائلان به حرمت:

ادله قائلان به حرمت نیز عبارت است از: الف) آیات، روایات، اجماع ب) عدم مالیت خون، ج) نجاست خون، د) اصالة الفساد در عقود، هـ) اعانت بر اثم.

۴) آیات

آیات بسیاری بر حرمت خون دلالت می‌کنند؛ نهی در این آیات مطلق است و هر نوع خونی را چه فایده عقلایی داشته باشد و چه نداشته باشد، فرا می‌گیرد و از طرفی شامل هر نوع استفاده، از جمله داد و ستد می‌شود، از جمله:

أما حُرْمَ عَلَیْكُمْ الْمِیْتَةَ وَ الدَّمَّ وَ لَحْمَ الْخَنْزِیْرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لِغَیْرِ اللَّهِ. فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَیْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیْمٌ: به تحقیق حرام گردانید خدا بر شما گوشت حیوان مرده و خون و گوشت خوک را و هر چه را که به اسم غیر خدا کشته باشید. پس هر کس به خوردن آنها محتاج شود، در صورتی که به آن تمایل نداشته و از اندازه جان گرفتن نیز تجاوز نکند، گناهی نخواهد بود که به قدر احتیاج بخورد؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است» (بقره: ۱۷۳). این مضمون در آیه ۱۱۵ سوره نحل نیز آمده است.

«حُرْمَتِ عَلَیْكُمْ الْمِیْتَةَ وَ الدَّمَّ وَ لَحْمَ الْخَنْزِیْرِ وَ مَا أَهْلٌ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنَقَةَ وَ الْمَوْقُودَةَ وَ الْمَتْرَدِیَّةَ وَ النَّطِیْحَةَ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ: برای شما مؤمنان گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آن ذبیحهای که به نام غیر خدا کشتند، همه حرام شد و نیز هر حیوانی که به خفه کردن و یا به چوب زدن و یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن هم بمیرد و نیز نیم‌خورده درندگان جز آنکه آن را قبلاً تزکیه کرده باشند، حرام است» (مائده: ۳).

«قُلْ لَا اجْدُ فِی مَا وَحَى إِلَیَّ مُحَرَّمًا عَلَی طَاعِمٍ یَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ یَكُونَ مِیْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنْزِیْرِ. فَأَنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فَسَقًا أَهْلٌ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ. فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَأَنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِیْمٌ: [ای پیغمبر] بگو: در احکامی که به من وحی شده، چیزی را که برای خوردگان حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون نام خدا از روی فسق ذبح کنند. و هر گاه

کسی به خوردن آنها مضطر گردید، در صورتی که از روی ستم و از راه تجاوز از فرمان خدا نباشد، به قدر ضرورت بخورد که خداوند بخشنده و مهربان است» (انعام: ۱۴۵).

(۵) روایات

بیشتر فقها، برای حرمت اعیان نجسه، از جمله: خون و خرید و فروش آنها، به این روایات استدلال می‌کنند.

الف) «ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه: خداوند هر چیزی را که حرام کرد، ثمن آن را هم حرام قرار داد» امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «حرم من الشاه سبعة اشياء: الدم و الخصيتان و القضيب و المثانه و الغدد و الطحال و المراره: (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۳۵۹) هفت چیز از گوسفند حرام است: خون، دنبان، پی، بول‌دان، غدد، سپرز و زهره‌دان» یا نقل کرده‌اند: «مرّ امیر المؤمنین بالقصابین فنہاہم عن بیع سبعة اشياء من الشاه، نہاہم عن بیع الدم و الغدد و آذان الفؤاد و الطحال و النخاع و الخصى و القضيب» (همان) آنان را از خرید و فروش هفت چیز از گوسفند نهی فرمود: خون، غدد، گوشه‌های دل، سپرز، نخاع یا حرام مغز و دنبان و پی.

گفته‌اند: حضرت امیر (ع) قصاب‌ها را از خرید و فروش خون نهی فرمودند که این نشان می‌دهد که خرید و فروش خون مطلقاً حرام است. آنچه از روایات استفاده می‌شود، حرمت بهره‌برداری از خون به طور مطلق است و به صورت عام استفاده از خون حرام است.

(۶) اجماع

از دلایلی که بر حرمت خرید و فروش خون اقامه کرده‌اند، اجماع است. بسیاری از فقیهان، بر حرمت خرید و فروش خون به (اجماع) و (عدم خلاف) استناد کرده‌اند.

«بیع الدم و شراؤه حرام اجماعاً لنجاسته و عدم الانتفاع به: (علامه حلی، ۱۴۰۶، ۴۶۳) خرید و فروش خون به اجماع فقها به خاطر نجاست و عدم امکان بهره‌برداری از آن حرام است».

شیخ انصاری ضمن نقل اجماع از علامه و فخرالمحققین و فاضل مقداد تصریح به عدم خلاف می‌کند و می‌گوید: «یحرم المعاوضه علی الدم بلاخلاف، بل عن النهایه و شرح ارشاد - لفخرالدین - و التنقیح:

الاجماع علیه»: (انصاری، ۲۱۸۱، ۲۷) علامه نراقی درباره نجس بودن خون می‌نویسد:

و هو نجس من كل ذی نفس عدا ما یستثنی و علیه الاجماع فی المعبر و المنتهی و التذکره و غیرها؛ خون حیوانی که جهندگی دارد نجس است، به غیر موارد استثنا؛ و بر این در معتبر و منتهی و تذکره و جز آن، ادعای اجماع شده است (نراقی، ۱۴۰۸، ۱۶۰).

۷) نداشتن مالیت

از جمله شرایط خرید و فروش، مالیت است. چیزی که هیچ فایده عقلایی و حلالی ندارد، قابل خرید و فروش نیست. توضیح مالیت خون به منافع و فوائد حلال آن بستگی دارد. داد و ستد و کاسی با آن «أكل مال به باطل» است: «و الظاهر من شتات کلمات الفقهاء ایضا؛ دوران حرمة التکسب بالنجاسات مدار عدم جواز الانتفاع» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ۳۸) و اما عند الشرع فمالیة کل شیء باعتبار وجود المنافع المحللة فیہ؛ مالیت اشیاء از نظر شرع، به اعتبار وجود منافع حلال آنهاست (خویی، ۱۳۷۷).

بنابراین، هر چیزی که از نظر شرع منفعت حلال ندارد، مالیت ندارد و خون نیز این چنین است، چون نجس است. از این رو، استفاده از آن و از جمله خرید و فروش آن مورد نهی قرار گرفته است. برای بسیاری از نجاسات از جمله خون در ادوار گذشته هیچ گونه منفعت حلال عقلایی نمی‌شناختند تا جایی که شیخ انصاری با آن ذهن موشکاف فقط جوّال (رنگ‌آمیزی) را به عنوان بهره حلالی که می‌شود از خون برد، ذکر کرده است (شیخ انصاری، ۱۲۸۱، ۴).

۸) حرمت خون نجس

بسیاری از فقهاء در فتوای به حرمت استفاده از خون و خرید و فروش آن، تفضیل بین خون پاک و نجس نداده‌اند و به طور مطلق، به حرمت آن نظر داده‌اند. علامه می‌نویسد: والدم کله نجس، فلا یصح بیعه و کذا مالیس بنجس منه کدم غیر ذی النفس السائلة، لأستخبائه. خون، همه آن، نجس است و خرید و فروش آن صحیح نیست. و همین طور، خون‌های غیرنجس، مانند: خون حیوانی که خون جهنده ندارد، به خاطر خبثات. در میان فقها شکی در نجاست خون وجود ندارد و در مستند بر آن ادعای اجماع شده است. بنابراین، تمامی ادله دال بر حرمت داد و ستد اعیان نجسه، این مورد را نیز شامل می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۲، ۴۷).

۹) اصالة الفساد

دلیل دیگری که ممکن است بر بطلان داد و ستد خون اقامه گردد، اصالة الفساد است. توضیح این است که در هر موردی شک کنیم خرید و فروش صحیح است یا نه، اصل فساد آن است. به عبارت دیگر، استصحاب عدم نقل و انتقال و یا استصحاب بقای مال بر ملک مالک اول جریان دارد (همان).

۱۰) اعانت بر اثم

یکی از ادله حرمت داد و ستد خون این است که این عمل کمک به گناه و بنابراین حرام است. ربما یتوهم ان البیع الدم لما کان اعانتة علی الاثم فیکون محرما لذلك؛ چه بسا گمان شود که داد و ستد خون چون کمک به گناه است، در نتیجه حرام است (خویی، ۱۳۷۷، ۱).

۱۱) نقد و بررسی ادله

۱-۱۱) آیات

استدلال به آیات نیز مبتلا به اشکالاتی است:

ظاهر آیاتی که حلیت و حرمت اکل را بیان می‌کنند، آمدن حرمت خون در ردیف حرمت استفاده از گوشت خوک و گوشت حیوانی که نام غیر خدا در هنگام ذبح بر آن برده شده، استثنای مضطر از این حکم و آیات قبل که به اکل طیبات توصیه می‌کنند و همچنین از آیات بعد استفاده می‌شود که منظور حرمت خوردن و استفاده تغذیه‌ای از خون است، نه هرگونه استفاده یا خرید و فروش و به عبارت دیگر، حرمت در این آیات منصرف به اکل است (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۱، ۱۰۴).

هرگاه فعل نهی بر اعیان خارجی وارد گردد، چون حرمت اعیان معقول نیست، باید چیزی مناسب آن عین نهی شده در تقدیر گرفته شود. از این رو، فقها در آیه حرمت علیکم امهاتکم «بر شما مادرانتان حرام شده»، تزویج را در تقدیر گرفته‌اند. در این آیات نیز فعل مناسب با این امور ممنوع که خوردن است باید در تقدیر گرفته شود. شاهد بر این مطلب این است که فایده متعارف این امور در زمان نزول آیه، خوردن و آشامیدن بوده است. بنابراین، آیات فقط بر حرمت خوردن و آشامیدن خون دلالت دارد و نه حرمت داد و ستد آن. از منابع اسلامی استفاده می‌شود که خوردن خون در میان اعراب پیش از اسلام متداول بود و عرب‌ها از خون به شکل‌های گوناگون در تغذیه استفاده می‌کردند و آیات شریفه در مقام نهی آنان از این کار است (رحمانی، ۱۳۸۲، ۵۱-۵۰).

فاضل مقداد در ذیل آیه شریفه «حرمت علیکم المیتة و الدّم» می‌نویسد: این آیه اشاره دارد به تحریم چیزهایی که اعراب جاهلی، آنها را حرام نمی‌دانستند و به گونه‌های مختلف، خون را می‌خوردند. از جمله

«علهز» همانطور که علی (ع) در یکی از سخنانش، در مقام مذمت و سرزنش اعراب جاهلی و یادآوری نعمت‌های خداوند بر آنان، به وسیله تحریم پلیدی‌ها فرمود: «تأکلون العلهز: علهز می‌خوردند.» علهز غذایی بود که از خون و پشم شتر تهیه می‌شد. بدین گونه که خون را با پشم درمی‌آمیختند و بریان می‌کردند و می‌خوردند! ابن‌اثیر می‌نویسد: «علهز غذایی بود فراهم‌آمده از خون و کرک شتر، بدین نحو که در سال‌های قحطی آنها را با هم مخلوط می‌کردند و روی آتش می‌پختند و می‌خوردند» (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۲۹۳).

عبدالرحمن سیوطی در ذیل آیه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ المَيْتَةَ وَ الدَّمَّ» از قول ابی امامه نقل می‌کند: پیامبر (ص) مرا به میان عشیره‌ام فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کنم. وقتی رفتم، کاسه‌ای پر از خون آوردند و همه به دورش گرد آمدند و شروع به خوردن کردند. از من نیز خواستند از آن بخورم. گفتم: وای بر شما، من از جانب کسی می‌آیم که این غذا را بر شما حرام کرده و خداوند آیه‌ای بر او فرستاده است. گفتند: آن چیست؟ و من این آیه را بر آنان تلاوت کردم (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۵۶).

یوسف قرضاوی می‌گوید: در دوران جاهلیت هرگاه یکی از مردمان گرسنه می‌شد، ابزار تیز و برنده‌ای از استخوان و مانند آن را به بدن شتر یا حیوانی فرو می‌برد. خونی را که خارج می‌شد، جمع می‌کرد و می‌نوشید (قرضاوی، ۱۴۱۸، ۴۷).

بر فرض تنزّل و قبول اطلاق آیات، این اطلاق با ادله خاصه‌ای که دلالت دارد داد و ستد خون چنانچه منفعت محلله داشته باشد جایز و صحیح است، مقید می‌شود. پس از تقید اطلاق و عموم آیات نتیجه این است که داد و ستد خون در مواردی که غرض عقلایی و منافع حلال داشته باشد، جایز است. شهید خمینی می‌نویسد: «و الأظهر فیه جواز الانتفاع به فی غیر الأکل، و جواز بیعه لذلك...» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ۳۸). ظاهرترین قول، جواز بهره‌برداری از خون و خرید و فروش آن است در غیر خوردن؛ زیرا آنچه در روایات و آیه شریفه آمده است، دلالتی بر حرمت مطلق استفاده از خون ندارد... به علاوه در آن زمان، برای خون، غیر از خوردن استفاده‌ای نبوده است.

آیات و روایت شریفه دلایلی بر حرمت مطلق بهره‌برداری از خون ندارد و استفاده آن برای خوردن حرام، ولی برای استفاده دیگر و خرید و فروش آن اشکالی ندارد» (طبرسی، ۱۳۷۹، ۲۵). استفاده کردن از خون و بهره‌برداری از آن در غیر اکل جایز می‌باشد و در زمان گذشته برای خون بهره‌ای جز خوردن تصور نمی‌کردند؛ ولی اکنون که برای خون منافع زیادی ذکر می‌کنند، قطعاً قابل بهره‌برداری است و اشکال

هم ندارد و خرید و فروش آن هم بلامانع خواهد بود. و حرمت فقط شامل خوردن است و به آن انصراف دارد».

۲-۱۱) روایات

۱) عبارت «ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه» در منابع روایی شیعه وجود ندارد و در حدیث بودن آن تردید است.

۲) دلالت روایات بر حرمت جمیع انتفاعات و مطلق خرید و فروش نیز روشن نیست؛ زیرا احتمال دارد نهی از آنها به اعتبار حرمت اکل باشد.

۳) بهره‌برداری از روایات در اموری که طهارت شرط است، منع شده است و در اموری که طهارت شرط نیست، بلااشکال خواهد بود.

۴) حضرت امیر (ع) قصابها را از خرید و فروش چند چیز از بدن گوسفند، نهی فرموده، از جمله خون. این نشان می‌دهد که خرید و فروش خون، مطلقاً حرام است. این استدلال، تمام نیست؛ زیرا از ظاهر روایت به دست می‌آید فروختن خون نجسی که در هنگام ذبح از حیوان خارج می‌شود، حرام است، نه مطلق خون؛ علاوه بر این، با توجه به اینکه سپرز، دنبالان و... در روایت آمده و آنها مصرفی به جز خوردن نداشته‌اند، برمی‌آید که خون نیز از آنجا که در ردیف اشیای فوق آمده، خوردن آن حرام است. شهید خمینی در این باره می‌نویسد: «و یتضح مما ذکر ان النهی عن بیع سبعة أشياء منها الدم... یراد به البیع لأکل، لتعارف أکله فی تلك الأمکنه و الأزمنه كما یشهد به الروایات» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ۳۸). بنابراین معلوم شد که نهی از خرید و فروش هفت چیز و از جمله خون منصرف به خوردن است؛ زیرا در آن سرزمین و در آن زمان (دوران جاهلیت) خوردن خون متداول بوده است.

شیخ انصاری می‌نویسد: «و اما مرفوعه الواسطی المتضمنه لمرور امیر المؤمنین (ع) بالقصابین و نهیمهم عن بیع سبعة، بیع الدم و الغدد... (انصاری، ۱۲۸۱، ۴): اما مرفوعه واسطی، بیانگر آن است که علی (ع) بر قصابان می‌گذشت و آنان را از فروش هفت چیز، خون، غدد و... بازداشت. ظاهراً منظور، حرمت بیع آنهاست، به قصد خوردن [نه مطلق بیع] و تردیدی نیست که چنین معامله‌ای حرام است؛ زیرا در آینده خواهیم گفت که قصد منفعت حرام در معامله باعث حرمت، بلکه بطلان آن است». نهی در این روایات به داد و ستد خون برای اکل ناظر است. شاهد بر این مدعا دو مورد است: الف. شغل قصابی فروختن

چیزهایی است که برای خوردن استفاده می‌گردد. ب. در ذیل روایت، از چیزهایی نهی شده که بی‌شک جهت نهی، خوردن آن‌هاست.

شیخ در این سخن، تصریح می‌کند که از روایت مرفوعه واسطی نمی‌شود هرگونه خرید و فروش خون را استفاده کرد، بلکه با توجه به قرائن موجود، خرید و فروش خون برای خوردن منع شده است بنابراین، اگر منافع حلال و عقلایی برای آن باشد، طبعاً خرید و فروش آن و استفاده از آن مانعی نخواهد داشت نتیجه مناقشه به روایت

۱- خرید و فروش خون، برای «خوردن» حرام است و در آن تردیدی نیست.

۲- تحریم مطلق بیع خون ظاهراً دلیلی ندارد.

۳- در زمان ما که خون دارای منافع حلال بسیار است، ظاهراً خرید و فروش و بهره‌برداری از آن بلااشکال است و از مصادیق «اکل مال به باطل» نیست.

۴- از ظاهر مرفوعه ابن یحیی واسطی برمی‌آید که خرید و فروش خون، به طور مطلق حرام است؛ ولی سند آن ضعیف است و علاوه بر آن ناظر به خرید و فروش برای خوردن می‌باشد.

۳-۱۱) اجماع

در استدلال به اجماع گفته شد: به اجماع فقها، به خاطر نجاست و عدم امکان بهره‌برداری از خون، خرید و فروش و هرگونه بهره‌برداری از آن به طور مطلق حرام است. بر این استدلال اشکالاتی وارد است:

۱. اشکال صغروی عبارت از رد اجماع است، زیرا عنوان داد و ستد خون در بسیاری از کتاب‌های دست اول از جمله کتب شیخ صدوق نیامده است و بنابراین، ادعای اجماع نادرست خواهد بود.

۲. اشکال کبروی عبارت از مدرکی بودن این اجماعات است. دلیل هم این است که بسیاری از مدعیان، پس از ادعای اجماع به نجس بودن خون و عدم انتفاع، بر حرمت استدلال می‌کنند. پس از این، برخی از ادله مورد استدلال خواهد آمد. از آن جمله، در کلام فاضل مقداد به این مطلب تصریح شده است. پس اجماع کاشف از قول معصوم (ع) و یا دلیل معتبری که به دست ما نرسیده باشد نخواهد بود.

۱- از آنجا که حرمت خون مذکور در آیات و روایات، انصراف به خوردن دارد، اجماعی که اقامه شده هم، چنین است و انصراف به خوردن دارد، ظاهرترین قول را جواز بهره‌برداری از خون و خرید و فروش آن

در غیر خوردن می‌دانند و همچنین امام خمینی می‌فرماید: «انتفاع بردن به خون در غیر خوردن و فروختن آن برای انتفاع حلال، جایز است» (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۷).

۲- بر فرض تحقیق چنین اجماعی روشن است که اجماع تبعدی کاشف از قول معصوم نیست، بلکه مدرکی و مدرک آن برخی از روایاتی است که برای حرمت بیع مطلق نجاسات به آنها استدلال می‌شود اشاره کردیم که آن روایات از نظر سند و از نظر دلالت نارسایی دارند. مکارم شیرازی می‌فرماید: «خرید و فروش خون در عصر و زمان ما که برای نجات مجروحین و بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد، جایز است» (بنی هاشمی، ۱۳۹۲، ۲۰۳).

فاضل لنکرانی می‌فرماید: «همچنین خرید و فروش خون در زمان ما که برای نجات مجروحین و بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد، جایز است و خرید و فروش عین نجسی که بتوان از آن استفاده حلال نمود، جایز است؛ مثلاً خرید و فروش غائط برای کودسازی جایز است» (تبریزی می‌نویسد: «خون انسان که آن را به دیگری تزریق می‌کنند، جایز است» (همان)).

علامه بعد از ادعای اجماع به «نداشتن منفعت» استناد کرده است (علامه حلی، ۱۴۰۶، ۴۶۳) معلوم می‌شود اجماع بر حرمت، در حقیقت بر اثر نداشتن منفعت حلال است؛ زیرا در آن زمان خون غیر از خوردن، هیچ منفعتی نداشته؛ بنابراین در صورتی که خون منافع حلالی داشته باشد، طبعاً حرمت بیع آن موردی ندارد. همانطور که در زمان ما خون دارای فواید کثیر و متعدده‌ای است که قطعاً بهره‌برداری از آن بلاشکال خواهد بود.

و اما الاجماع فهو لایختص بالمقام وانما هو الذی ادعی قیامه علی حرمة مطلق بیع النجس، و مدرکه هی الوجوه المذكورة، لحرمة بیعه من الروایات العامة و غیرها، والّا فلیس هنا اجماع تبعدی لیکشف عن رأی المعصوم (ع) ...: (خویی، ۱۳۷۷، ۹۸)

۱۲) نداشتن مالیت

۱- یکی از استدلال‌ات به حرمت مطلق بهره‌برداری از خون، نداشتن مالیت بود و چنین بیان شد که چیزی که هیچ فایده‌ای ندارد، قابل خرید و فروش نیست و بیع آن و کاسبی با آن «أکل مال به باطل» است و خون از این مصادیق خواهد بود و در دوران گذشته برای خون هیچ گونه بهره حلالی ذکر نمی‌کردند تا جایی که شیخ انصاری می‌نویسد: «و اما الدم الطاهر، اذا فرضت له منفعة محله كالصبغ و لو

قلنا بجوازه ففی جواز بیعه وجهان اقویهما الجواز لآنها عین طاهره ینتفع بها منفعه محلله (انصاری، ۱۲۸۱، ۴): خون پاک، اگر دارای منفعت حلالی مانند رنگ‌آمیزی باشد و قائل به جواز آن باشیم در خرید و فروش آن دو قول است که اقوای آن، جایز بودن بیع است به خاطر اینکه خون عین طاهری است که دارای منفعت حلال است.

اسلام حکم به حرمت و بطلان معامله‌ای نموده که مورد معامله منفعت عقلایی قابل اعتنا نداشته باشد، چنان که مستفاد از آیه شریفه نهی از «أکل باطل» است و بر این اساس، فقها به حرمت خرید و فروش بعضی از اشیا از قبیل خون، مدفوع و بول فتوا داده‌اند، چون منفعت عقلایی ندارند. البته منظور از منفعت عقلایی، منفعت غالب است که مورد توجه عقلا باشد، و گرنه چیزی در دنیا نیست مگر اینکه اندک منفعتی در او پیدا می‌شود، و لازمه‌اش این است که خرید و فروش هر چیزی جایز باشد، و شرط منفعت عقلایی در بیع لغو باشد؛ بنابراین همان طور که ملاحظه شد، علت جایز نبودن خرید و فروش بعضی از اشیا، نداشتن منفعت عقلایی قابل اعتناست؛ لذا اگر شرایط زمان و مکان طوری شد که این اشیا نزد عقلا دارای منفعت مشروع قابل اعتنا شد، حکم به حلیت خرید و فروش آنها می‌شود چنان که در زمان ما، در مورد خون انسان چنین است.

۲- بر فرض اینکه بپذیریم با منع شارع از استفاده خون، منفعت عقلایی آن نیز منتفی می‌گردد، باز ممکن است بگوییم برای صحت داد و ستد، غرض و منفعت شخصی کافی است، و نیازی به منفعت عقلایی نیست. بنابراین، هر جا منفعتی باشد، موضوع حرمت مرتفع خواهد بود. محقق ایروانی در این باره می‌نویسد: و اما الصحه: فلان الاغراض الشخصیه کافیه فی صحه البیع و فی خروجه عن اکل المال بالباطل (ایروانی، ۱۳۷۹، ۵) اما دلیل بر صحت داد و ستد خون این است که غرض‌های شخصی در صحیح بودن داد و ستد و خارج شدن آن از عنوان اکل مال به باطل کفایت می‌کند.

۳- و بر فرض اینکه از نظر شرعی، منافع عقلایی و شخصی خون منع شده باشد، داد و ستد آن با غیر مسلمان جایز است و مدعا که بطلان خرید و فروش خون است، به گونه مطلق ثابت نمی‌شود.

۴- اصل این مدعا که گرفتن بها در مقابل خون، اکل مال به باطل است و حرام می‌باشد، در صورتی صحیح است که «با» در «بالباطل» به معنای مقابله باشد. ولی اگر «با» را به معنای سبب بگیریم، معنای آیه منع داد و ستد اموال به سبب (عقد) باطل، یعنی به غیر از راه‌هایی است که شارع امضا و تعیین کرده

است؛ مانند ربا و برد و باخت (قمار). شاهد بر این مدعا، استثنای ذیل آیه است که می‌فرماید: الا ان تکون تجارة عن تراض در این باره مقدس اردبیلی می‌نویسد:

ای لا یتعرف بعضکم فی اموال البعض بغير وجه شرعی مثل الربا؛ یعنی در اموال یکدیگر به غیر از راه شرعی تصرف نکنید (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۵، ۴۲۹).

پس این دلیل نیز نمی‌تواند از این جهت که خون منفعت عقلایی ندارد، دلالت بر حرمت داد و ستد خون داشته باشد.

۱۳) نجس بودن خون

۱. دلیلی که بر داد و ستد اعیان نجسه دلالت دارد، روایت تحف العقول است که می‌فرماید:

و اما وجوه الحرام من البیع و الشراء فکل امر یکون فیه الفساد مما هو منهی عنه من جهة اکل و شربه. اما انواع داد و ستد حرام عبارت است از هر چیزی که در آن فساد هست؛ یعنی آنچه که از خوردن و آشامیدن آن نهی شده است.

استدلال به این روایت مخدوش است، زیرا اولاً ضعف سند دارد. بسیاری از صاحبان نظر، از جمله حضرت امام، می‌فرمایند: سند روایت تحف العقول از دلالتش مخفی‌تر است.

آیت‌الله خویی در این باره می‌فرماید:

لم یجز التمسک بهذه الروایة لوجوه الاول قصورها فی ناحية السند؛ استدلال به روایت تحف العقول به ادله بسیار، صحیح نیست. از جمله این ادله، ضعف سند آن است (خویی، ۱۳۷۷، ۵).

بر طبق نظریه تفصیل، خون پاک اگر منفعتی مانند رنگ‌آمیزی داشته باشد، چنانچه رنگ‌آمیزی به خون جایز باشد، در این صورت در حکم داد و ستد آن، دو وجه ممکن است. وجه قوی، جهت داد و ستد آن است؛ زیرا خون عینی پاک است که از آن بهره حلال برده می‌شود. از آنجا که ملاک جواز داد و ستد خون پاک، یعنی استفاده از منافع حلال در خون نجس نیز هست، بنابراین، جواز در آنجا نیز راه دارد.

آیت‌الله خویی در مقام رد این نظریه می‌فرماید:

و فیه انه بعد اشتراکها فی حرمة الاکل و جواز الانتفاع بهما منفعة محللة كالصبغ و التسميد و نحوهما، فلا وجه للتفکیک بینهما و اما النجاسة فقد عرفت مراراً انه لاموضوعية لها فلاتكون فارقة بين الدم الطاهر و النجس (خویی، ۱۳۷۷، ۵۵).

در تفصیل بیان خون پاک و نجس اشکال است، زیرا پس از اشتراک آن دو در حرمت خوردن و جواز بهره‌وری حلال، مانند رنگ‌آمیزی و استفاده به عنوان کود و مانند آن، دلیلی بر تفکیک میان آن دو وجود ندارد. و اما همان گونه که به کرات بیان گردیده، نجاست نمی‌تواند فارق میان خون پاک و نجس باشد، زیرا نجاست موضوع برای حرمت داد و ستد نیست.

۱۴) اصالة الفساد

این استدلال نیز درست نیست، زیرا این اصل محکوم اطلاق و عموم ادله لفظیه، مانند اوفوا بالعقود و تجارة عن تراض و احل الله البيع است. بنابراین، نوبت به این اصل نمی‌رسد. زیرا با وجود دلیل لفظی، هرچند اطلاق به عموم باشد، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد؛ چون موضوع اصل شک در حکم است و با وجود دلیل لفظی شک وجود ندارد.

۱۵) اعانت بر گناه

اولاً دلیلی بر حرمت اعانه بر اثم نداریم. پس بر فرض اینکه بپذیریم اعانه بر اثم است، حرام نیست. ثانیاً داد و ستد خون اعانه بر اثم نیست، زیرا میان این عمل و گناه، عموم و خصوص من وجه است. چون گاهی خرید و فروش خون برای خوردن نیست؛ مثل اینکه برای رنگ‌آمیزی خریده شود. ثالثاً بر فرض اینکه اعانه بر اثم حرام باشد، موجب فساد داد و ستد نیست، زیرا نهی به عنوانی (عنوان اعانه بر اثم) خارج از داد و ستد تعلق گرفته نه به داد و ستد؛ پس بر فرض قبول صغرای حرمت اعانه بر اثم، دلیل اخص از مدعاست (خویی، ۱۳۷۷، ۵۶).

۱۶) زمان و مکان در اندیشه فقهی امام خمینی و معامله خون

مراد از زمان و مکان، تحولی است که در جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، در مقطعی از زمان تحت تاثیر عواملی، در فقه راه یافته یا می‌یابد و اثر چشمگیری به جای گذاشته یا می‌گذارد و مردم را به راه تازه رهنمون گردیده یا می‌گردد. انگیزه اصلی این دگرگونی و پویایی در فقه این است که پرسشی، پاسخ مناسب خود را دریافت دارد، مشکلی از سر راه برداشته شود، نیازی برطرف گردد، راه پیشرفت جامعه به نیست نیفتد (فیض، ۱۳۸۲، ۹۵). مراد از تاثیر زمان و مکان بر موضوعات شرعی مصادیقی است که تابع تغییرهای مختلف هستند و متحول می‌شوند. و الا موضوعات شرعی ثابت هستند.

موضوع زمان و مکان و مقتضیات آن در حوزه فقه، امری است که از دوره پیش از انقلاب اسلامی در فقه امام خمینی نمودی آشکار یافته، و ارتباطی مستقیم با خصلت واقع‌گرایی در فقه او داشته است. قوانین اسلام همیشه با شرایط زمان و مکان قابل تطبیق است.

در طیفی از موارد که در آثار امام از مقتضیات زمان و مکان سخن به میان می‌آید، فضا بسیار به بحث از عرف نزدیک می‌شود. به عنوان نمونه در فتوایی درباره نفقه نزدیکان، وی یادآور می‌شود: «اندازه معینی برای نفقه وجود ندارد، بلکه واجب آن است که به قدر کفایت پوشاک و خوراک و مسکن با ملاحظه حال و شأن و زمان و مکان فراهم گردد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۳۴۶). همچنین در بحث از حرمت فروختن سلاح به دشمنان می‌گوید: «بسیار پیش می‌آید که چیزی در یک زمان و مکان سلاح جنگی محسوب شود و در شرایط دیگری نشود» (شیخ انصاری، ۱۲۸۱، ۲۲۶).

امام خمینی در مورد جواز خرید و فروش خون می‌نویسد: والأطهر فيه جواز الانتفاع به فی غیر الأکل و جواز بیعه لذلك، فان ماوردت فيه من الاية والرواية لاتدل على حرمة الانتفاع مطلقا... مع انه لم یکن فی تلك الأعصار للدم نفع غیر الأکل، فالتحریم منصرف الیه...

ظاهرترین قول، جواز بهره‌وری از خون و خرید و فروش آن است در غیر خوردن. زیرا آنچه در روایات و آیه شریفه آمده است، دلالتی بر حرمت مطلق استفاده از خون ندارد... به علاوه، در آن زمان، برای خون، غیر از خوردن استفاده‌ای نبوده است. بنابراین، حرمت در آیه و روایات منصرف به همان (حرمت اکل) می‌باشد.

۱۷ نتیجه

بسیاری از فقها، خرید و فروش و هر نوع استفاده‌ای از خون را حرام می‌دانند. اقوال فقها در این مسئله عبارت است از: حرمت مطلق، تفصیل میان خون نجس و پاک، حرمت مستقل و جواز همراه با اشیاء دیگر، جواز داد و ستد در موارد منافع حلال. فقهای که به حرمت داد و ستد خون قائل‌اند، مبانی یکسانی ندارند. برخی تحت عنوان حرمت داد و ستد اعیان نجس، بعضی تحت عنوان عدم مالیت خون، برخی با عنوان نهی شرعی و برخی دیگر تحت عنوان عدم انتفاع شرعی، داد و ستد خون را حرام دانسته‌اند.

ادله قائلان به حرمت نیز عبارت است از: اجماع، عدم مالیت خون، نجاست خون، اصله الفساد در عقود، اعانت بر اثم، آیات، روایات است ملاک و معیار در جواز خرید و فروش خون، داشتن مالیت و منفعت

حلال عقلایی است. اما امروزه با پیشرفت دانش پزشکی و استفاده گوناگون از خون به ویژه خون انسان و فرآورده‌های آن جایگاه ویژه حیاتی یافته بنابراین خرید و فروش آن اشکالی ندارد و از مصادیق "اکل مال به باطل" نیست و استفاده و بهره‌برداری از خون جایز بوده و حتی دولت‌ها می‌توانند در بعضی از مواقع برای حفظ جان و ضرورت بهداشتی و سلامتی در جامعه تصمیم به خرید و فروش آن نمایند.

۱۸- منابع

- قرآن

- ابن ادریس حلی . سرائر ، قم . جامعه مدرسین مؤسسه نشر اسلامی . ۱۴۱۰ ه.ق
 ابن اثیر . لنهایه فی غریب الحدیث . بیروت : المکتبه الاسلامیه . ۱۳۹۹ ق
 - انصاری، مرتضی. مکاسب محرّمه. قم. لجنه تحقیق لثراث انصاری. ۱۲۸۱ ق
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر ترمینولوژی حقوق، تهران . گنج دانش، ۱۳۹۴
 - حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - خمینی، سید روح الله. مکاسب المحرمه . تهران). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۶۸.

 - تحریر الوسیله). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی . ۱۳۹۲.
 - خویی، ابوالقاسم . مصباح الفقاهه: تقریر اباحت سماحه آیت الله العظمی السید ابوالقاسم الموسوی، . محمد علی توحیدی تبریزی. قم: انتشارات داوری. ۱۳۷۷
 - رحمانی، محمد). داد و ستد خون از منظر فقهای فریقین. مجله طلوع، ۱۳۸۲ شماره ۷.
 - سیوطی، عبدالرحمن). الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ۱۴۰۴ ق
 - طبرسی، فضل بن حسن). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه. ۱۳۷۹
 - طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم). حاشیه عروه. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۳۷۸
 - فیض، علیرضا. ویژگی‌های اجتهاد و فقه پویا. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۲

 - مبادی فقه و اصول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۹۱
 - طوسی، محمد بن حسن). النهایه، ترجمه محمد تقی دانش پژوه. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۹۷
 محقق حلی ، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم . دارالعلم. ۱۳۹۷ ش
 علامه حلی ، قواعد الاحکام، قم . جامعه مدرسین نشر اسلامی. ۱۴۱۳ ق

- نراقی، سنن الشیعه، مؤسسه آل‌البتیت، ج ۱، ۱۴۰۸، ه.ق
- مقدس اردبیلی، احمد ابن محمد، زبده البیان، تهران. موسسه تعلیماتی تحقیقاتی امام صادق ع. ۱۳۷۵
- محقق ایروانی، حاشیه مکاسب، قم. نشر کتبی نجفی. ۱۳۷۹ ق
- علامه حلی، حسن بن یوسف). نه‌ایه الاحکام. بیروت: درالاضواء. ۱۴۰۶ ق
- قرضاوی، یوسف). الحلال و الحرام فی. قاهره: مکتبه وهبه. ۱۴۱۸ ق
- معین، محمد). فرهنگ معین، انتشارات زرین. ۱۳۸۶
- مرتضوی لنگرودی، سید محمد مهدی). شرح عبدالصاحب علی المکاسب الشیخ الانصاری. قم: مکتبه المفید.
- ۱۴۱۱ ق
- بنی هاشمی محمد حسن). توضیح المسائل مراجع. قم: جامعه مدرسین نشر اسلامی. ۱۳۹۲
- مفید، محمد بن محمد. گنجره جهانی هزاره شیخ مفید. قم. ۱۴۱۳ ق